

تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش ارتباطات سیاسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سعید یادگاری^۱

نرگس هاشم زاده^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

چکیده

مالیات یکی از منابع مهم درآمدی دولت است که علاوه بر تأمین منابع مالی که دولت به آن نیاز دارد، به توزیع بهتر درآمد و ثروت کمک می کند. ترکیب درآمدهای مالیاتی و نیز سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی به دلیل شرایط اقتصادی، فرهنگی و تاریخی در یک کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است. اجتناب از مالیات باعث می شود درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده است، کمتر باشد؛ بنابراین عوامل مؤثر بر آن حائز اهمیت است. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی می پردازد. به منظور دستیابی به هدف فوق، اقدام به تدوین دو فرضیه شد. بر این اساس به منظور آزمون فرضیه های پژوهش، نمونه ای متشکل از ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ انتخاب شد. جهت آزمون فرضیه های پژوهش نیز از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده های ترکیبی استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان داد مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی افزایش مدیریت سود، افزایش اجتناب مالیاتی به دنبال دارد؛ علاوه بر این، نتایج بیانگر این است که ارتباطات سیاسی رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی را تقویت می کند.

واژگان کلیدی

اجتناب مالیاتی، مدیریت سود، ارتباطات سیاسی

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید اشرفی، اصفهان، ایران. (Syadegari115@yahoo.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید اشرفی، اصفهان، ایران. (* نویسنده مسئول: n_hashemzadeh21@gmail.com)

۱- مقدمه

اساساً یک شرکت برای دستیابی به اهداف خاصی تأسیس می‌شود که یکی از آن‌ها دستیابی به حداکثر سود است (هارجیتو و مارتونو،^۱ ۲۰۱۰). در عصر جهانی شدن، شرکت‌ها باید رقابتی تر باشند. برای افزایش رقابت پذیری، مدیران علاوه بر بهبود کیفیت کالا/خدمات تولیدی، باید بتوانند منابع خود را نیز به خوبی مدیریت کنند. انواع مختلفی از سیاست‌های اتخاذ شده باید بتواند بقای شرکت را تضمین کند و این با میزان سودی که می‌تواند ایجاد شود نشان داده می‌شود (نگارا و سوپوترا،^۲ ۲۰۱۷). اما از نظر حسابداری عناصری وجود دارد که می‌تواند میزان سود خالص در صورت‌های مالی را کاهش دهد که یکی از آن‌ها هزینه مالیات است. این مورد پرداخت می‌گردد و قطعاً برخلاف هدف شرکت برای دستیابی به حداکثر سود است.

مالیات یک کمک اجباری به دولت است که توسط یک فرد یا نهادی که ماهیت قهری بر اساس قانون دارد و توسط دولت برای بیشترین رفاه جامعه استفاده می‌شود. شرکت به عنوان مؤدی مکلف به پرداخت مالیات بر درآمد طبق مقررات مالیاتی قابل اجرا می‌باشد که از میزان سود قبل از مالیات ضرب در نرخ مالیات متعلق محاسبه می‌شود. دولت برای دستیابی به رفاه عمومی در بخش‌های مختلف زندگی، از مالیات برای انجام توسعه ملی استفاده می‌کند. اما از سوی دیگر، مدیران مالیات را مشکلی می‌دانند که می‌تواند مانع تلاش آن‌ها برای حفظ درآمد زیاد شود. در شرکت‌های سهامی عام، سهامداران خواهان مدیریت مالی برای افزایش ارزش و ثروت شرکت هستند (آریفیارا و همکاران،^۳ ۲۰۱۵). این همان چیزی است که در نهایت می‌تواند مدیران را به اجتناب از مالیات ترغیب کند. موضوع اجتناب از مالیات همیشه یک بحث مهم است. از یک طرف، مالیات دهندگان استدلال می‌کنند که تازمانی که قوانینی وجود نداشته باشد که نقض شود، انجام برنامه ریزی مالیاتی که می‌تواند تعهدات مالیاتی را کاهش دهد اشکالی ندارد. با این حال، از طرف دیگر، مقامات مالیاتی معتقدند که اگرچه قوانین نقض نشده است، اما یک ماده اساسی در اجتناب مالیاتی وجود دارد، یعنی مزایای مالیاتی. براساس این ماده، مقامات مالیاتی اجتناب مالیاتی را تخلف می‌دانند (هدی،^۴ ۲۰۱۶).

اجتناب از مالیات توسط بسیاری از محققان مورد مطالعه قرار گرفته است. در این زمینه شاکلفورد و شولین^۵ (۲۰۰۱) خواستار پژوهش در مورد عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی هستند. چالش این است که هیچ تعاریف پذیرفته شده جهانی برای اجتناب از مالیات وجود ندارد. این اصطلاحات برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارند. در واقع، دیرنگ و همکاران^۶ (۲۰۰۸)، اجتناب از مالیات را به عنوان "هر فعالیتی که می‌تواند به صراحت بار مالیاتی یک شرکت را کاهش دهد، که در نرخ مالیات موثر آن منعکس می‌شود و کاهش مالیاتی که کاملاً قانونی است را پوشش می‌دهد" تعریف کرد. اجتناب مالیاتی نشان‌دهنده تلاش‌های عمدی یک شرکت برای کاهش بدهی‌های مالیاتی خود از طریق راه‌ها یا استراتژی‌های قانونی است (لی و همکاران،^۷ ۲۰۱۵).

1 Hijito & Martono

2 Ngara & Saputra

3 Aieftiara et al

4 Hda

5 Shackelford & Shevlin

6 Dyreng et al

7 Lee et al

بسیاری از شرکت‌ها در تلاش هستند تا راه‌هایی برای کاهش پرداخت مالیات بیابند که یکی از آن‌ها تعهد مدیریت سود است. با حمایت نظریه اسکات^۸ (۲۰۰۹)، یکی از اهداف مدیریت سود مربوط به جنبه سیاسی در قالب انگیزش مالیاتی است. اسکات (۲۰۱۵) مدیریت سود را به عنوان انتخاب سیاست‌ها یا روش‌های حسابداری در ارائه اطلاعات سود تعریف می‌کند که با منافع مدیران به منظور دستیابی به اهداف معین تنظیم شده است. مدیران می‌توانند در چندین شکل از مدیریت سود، مانند حمام بزرگ، به حداقل رساندن سود، حداکثر کردن سود و هموارسازی سود مشارکت داشته باشند (اسکات، ۲۰۱۵). مدیران به منظور کاهش سود مشمول مالیات، مدیریت سود را از طریق به حداقل رساندن سود یا کاهش سود گزارش شده در صورت‌های مالی انجام خواهند داد (سورهمان و فرمانسیا، ۲۰۱۷).

سود به عنوان نتیجه نهایی فرآیند حسابداری و اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی، مورد توجه و تأکید استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری است. اما گاهی اوقات مدیران به دلیل حداکثر کردن منافع خود و رسیدن به اهداف خاصی که منطقی‌تر است، عده‌ای خاص را تأمین می‌کنند، ممکن است سود را طوری گزارش کنند که با هدف تأمین منافع عمومی استفاده‌کنندگان مغایرت داشته باشد. به مجموعه اقداماتی که مدیران در جهت آراستن اطلاعات برای دستیابی به اهداف خاص انجام می‌دهند، مدیریت سود اطلاق می‌شود (مشایخی و حسین‌پور، ۱۳۹۵). مدیریت سود ممکن است تحت تأثیر عوامل متعددی قرار بگیرد. یکی از مواردی که می‌توان تأثیری عمده بر میزان سود گزارش شده داشته باشد، نرخ مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد.

در پژوهش نویتاساری^۹ (۲۰۱۷)، ماچدار^۱ (۲۰۱۹) و واردانی و همکاران^۲ (۲۰۱۹) دریافته‌اند که مدیریت سود تأثیر قابل توجهی بر اجتناب مالیاتی دارد. مدیریت انگیزه انجام مدیریت سود به منظور کاهش هزینه‌های مالیاتی را دارد، بنابراین مدیران از روش‌های مختلفی برای کاهش سود شرکت استفاده می‌کنند (ستورینی و همکاران، ۲۰۱۷). هر چه کاهش سود گزارش شده بیشتر باشد، احتمال رفتار تهاجمی شرکت در قبال مالیات شرکت بیشتر می‌شود (نویتاساری، ۲۰۱۷). این با تئوری بیان شده توسط اسکات (۲۰۰۰) مطابقت دارد که شرکت‌هایی که با هزینه‌های سیاسی مواجه هستند تمایل دارند سود خود را با هدف به حداقل رساندن هزینه‌های سیاسی که باید متحمل شوند کاهش دهند. با این حال، چندین مطالعه نتایج متفاوتی را نشان دادند، مانند پژوهش‌های هندی^۴ (۲۰۲۲) که دریافته‌اند مدیریت سود تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی ندارد.

مطالعات قبلی که تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار می‌دادند، همیشه نتایج متفاوت و نامطمئنی را نشان می‌دادند. این نشان می‌دهد که آیا عوامل دیگری وجود دارد که ممکن است بر ناهماهنگی نتایج پژوهش تأثیر بگذارد. بنابراین در این پژوهش، ارتباط سیاسی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده قرار می‌گیرد زیرا گمان می‌رود تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی را تقویت کند. با توجه به فی و ان جی^۵ (۲۰۲۰)، شرکت‌هایی که مدیران یک حزب سیاسی دارند و در دولت دخیل هستند، فرصت بیشتری برای اجتناب از مالیات خواهند داشت. زیرا زمانی که شرکت‌ها اجتناب مالیاتی

8 Scott

9 Surahman & Firmansyah

1	Novitasari	0
1	Mehdar	1
1	Widani et al	2
1	Stiorini et al	3
1	Hendi	4
1	Rhie & Ng	5

می‌کنند، می‌توانند به قدرتی که در اختیار مدیران است پناه ببرند، زیرا سطح تحمل بین دو طرف ممکن است بالا باشد، به طوری که ریسک حسابرسی مالیاتی شرکت‌ها پایین است و شرکت‌ها را تشویق می‌کند که جسورتر باشند. در اجتناب از مالیات در راستای این نظر، فردی‌اوان و فرمانسیا^۶ (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که از وجود ارتباطات سیاسی نیز با اعمال فشار بر مقامات مالیاتی برای کاهش میزان مالیات پرداختی و به حداقل رساندن جریمه در صورت اثبات اجتناب مالیاتی، استفاده از قوانین مالیاتی استفاده می‌شود.

سیاست و تجارت دو عامل به هم مرتبط هستند. شرایط سیاسی باثبات جو مثبتی را در دنیای تجارت ایجاد می‌کند و می‌توان از فعالیت‌های تجاری بودجه سیاسی به دست آورد. یک شرکت که از نظر سیاسی مرتبط است، از مزایای متعددی مانند سهولت دریافت وام بانکی و گرفتن قراردادهای پروژه از دولت برخوردار خواهد بود. با این حال، ارتباطات سیاسی می‌تواند منبع بالقوه اجتناب مالیاتی باشد (کیم و ژانگ^۷، ۲۰۱۶). این امر مربوط به ارتباط سیاسی است که باعث کاهش سطح نظارت دولت و اطلاع رسانی بهتر در مورد مقررات مالیاتی می‌شود. علاوه بر این، جنبه ارتباطات سیاسی نیز نقش بسزایی در افزایش استفاده از مدیریت سود برای اجتناب مالیاتی دارد. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا ارتباطات سیاسی بر رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است؟

۲- چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش

مدیریت سود یک استراتژی است که توسط مدیران در انجام مداخلات اطلاعاتی از گزارش‌های مالی با افزایش یا کاهش سود شرکت در محدوده اصولی که عموماً در حسابداری پذیرفته شده است استفاده می‌کنند (فیشر و روزنزویگ^۸، ۱۹۹۵). یکی از ویژگی‌های مدیریت سود، به حداقل رساندن سود (کمینه‌سازی درآمد) از طریق کاهش سود برای تولید حداقل سود گزارش شده است تا شرکت‌ها بتوانند میزان مالیاتی را که باید به دولت پرداخت کنند، به حداقل برسانند. با توجه به هونگ و همکاران^۹ (۲۰۲۲) و آیسبه و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۲) اظهار داشتند که مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر می‌گذارد.

تضادی که بین نمایندگان و سهامداران به وجود می‌آید گاهی اوقات می‌تواند بر کیفیت سود تأثیر بگذارد. اسکات (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که این یکی از مشوق‌های مدیران شرکت‌ها برای مشارکت در مدیریت سود، یعنی انگیزه مالیاتی است. مالیات یکی از رایج‌ترین دلایلی است که مدیریت شرکت به دنبال کاهش سطح گزارش شده از سود خالص یک شرکت است.

دسای و دارماپالا^{۱۱} (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که مدیرانی که منافعشان با سهامداران آن همسو باشد، با توجه به اجتناب مالیاتی تهاجمی‌تر عمل می‌کنند. علاوه بر این، بال و شیواکومار^{۱۲} (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که یکی از اهداف تهیه صورت‌های مالی، تعیین مالیات است. سود گزارش شده توسط شرکت ممکن است به تلاش‌های شرکت در مدیریت سود برای پرداخت مالیات کمتر بستگی داشته باشد. استفاده از سود حسابداری به عنوان مبنایی برای مالیات، مدیران را تشویق می‌کند تا در

1	Ferdiawan & Firmansyah	6
1	Kim & Zhang	7
1	Fischer & Rozenzweig	8
1	Hing et al	9
2	Asyah et al	0
2	Desai & Dharmapala	1
2	Bill & Shivakumar	2

مدیریت سود شرکت کنند (کوپنز و پیک، ۲۰۱۱). وانگ و چن^۳ (۲۰۱۲) شواهدی در مورد شناسایی رفتار مدیریت سود مربوط به مالیات بر درآمد ارائه می‌دهند.

مدیریت سود عمل مدیرانی است که سیاست‌های حسابداری را برای دستیابی به برخی اهداف خاص انتخاب می‌کنند (اسکات، ۲۰۱۲). مدیریت سود یک فعالیت مدیریتی برای تأثیرگذاری و مداخله در گزارش‌های مالی است که از گام‌های عمده خاصی برای مدیریت سود استفاده می‌کند (سولستیانتو^۴، ۲۰۰۸). برخی از الگوهای مدیریت سود طبق اسکات (۲۰۰۰) شامل حمام کردن، به حداقل رساندن سود، حداکثر کردن سود و هموارسازی درآمد است. رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی توسط چندین مطالعه از جمله تحقیقات عریف و همکاران^۵ (۲۰۱۶) نشان داده شده است که دریافتند مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارد، زیرا میزان هزینه مالیات بر اساس میزان سود شرکت است. در صورت کسب سود بالا، شرکت تمایل دارد تا با به حداقل رساندن سود (حداقل درآمد) به دست آمده، مدیریت سود را انجام دهد تا هزینه مالیات کم شود. ماچدار (۲۰۱۹) نیز استدلال می‌کند که کاهش بیشتر سود نشان می‌دهد که شرکت در اجتناب از مالیات به طور فزاینده‌ای تهاجمی است. بر اساس ملاحظات نظری و تحقیقات قبلی، محقق تأثیر مثبتی بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی پیش‌بینی می‌کند.

لئوز و گی^۶ (۲۰۰۶) رابطه بین ارتباطات سیاسی و تامین مالی جهانی را بررسی کردند و دریافتند که شرکت‌های مرتبط سیاسی تمایل دارند با انتخاب شفافیت کمتر، سرمایه داخلی را افزایش دهند. اگر شرکت‌ها در تامین مالی خارجی شفاف باشند، کسب منافع سیاسی نیز دشوار است. بنابراین، شرکت‌هایی که از لحاظ سیاسی به خوبی در داخل کشور به هم متصل هستند، تمایل دارند از ارتباطات خود در انتخاب‌های استراتژیک مهم استفاده کنند و بنابراین این امر باعث می‌شود عملیات شرکت و کسب‌وکار در طول زمان شفاف‌تر شود. این فرآیند به وضوح در دفاتر حسابداری نشان داده می‌شود چنانچه همکاران^۷ (۲۰۱۱) نشان دادند که شرکت‌هایی که از نظر سیاسی به خوبی مرتبط هستند، نسبت به شرکت‌هایی که ارتباط کمتری دارند، تمایل به کیفیت پایین‌تری از درآمد دارند. از آنجایی که شرکت‌های مرتبط با فشار کمتری در بازار برای شفافیت مواجه هستند، تمایل دارند اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین‌تری را افشا کنند. حتی اگر آن‌ها با فشار اجتماعی مواجه شوند، توسط سیاست‌مداران از جریمه شدن به خاطر اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین محافظت می‌شوند.

اگرچه اکثر مدیران عامل کارشناسان مالیاتی نیستند، اما در مورد نکات استراتژی‌های مالیاتی رایج تصمیم‌گیری می‌کنند (دیرینگ و همکاران^۸، ۲۰۱۰). در حالی که اجتناب مالیاتی مستلزم خطرات شهرت و خطرات غیر مالیاتی است (اسکولز و همکاران^۹، ۲۰۰۹)، ارتباطات سیاسی ممکن است به دلایل زیر از چنین خطرات مرتبط با اجتناب مالیاتی اجتناب کنند. اول، انتخاب‌های استراتژیک مدیر عامل برای اجتناب از مالیات می‌تواند به اطلاعات محرمانه‌ای که وی در مورد برنامه‌های دولت برای سیاست‌های مالیاتی در آینده به دست آورده است، بستگی داشته باشد. شرکت‌های مرتبط سیاسی دسترسی

2	Wing & Chen	3
2	Sulistiyanto	4
2	Aief et al	5
2	Iauz & Gee	6
2	Caney et al	7
2	Djeng et al	8
2	Scholes et al	9

آسان‌تری به قانون‌گذاران دارند (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۶^۳؛ ورنر، ۲۰۱۵^۳) و می‌توانند اطلاعات محرمانه را از قبل برای برنامه‌ریزی استراتژیک برای فرار مالیاتی به دست آورند و بنابراین خطرات مرتبط را کاهش دهند. در ایالات متحده، چنین اطلاعاتی از طریق لابی‌گران یا کارشناسان مالیاتی به دست می‌آیند، در حالی که در کشورهای کمتر پیشرفته، چنین اطلاعاتی اغلب از طریق ارتباطات میان گروه‌های نخبگان غیررسمی به دست می‌آیند.

دوم، شرکت‌هایی که از لحاظ سیاسی مرتبط هستند تمایل دارند به طور موثر با خطرات تشخیص مالیات مقابله کنند. دوجین و سوسیورا^۲ (۲۰۱۲) استدلال کردند که ارتباطات سیاسی به عنوان یک مکانیسم بیمه در برابر حوادث شدید عمل می‌کند. کیم و ژانگ (۲۰۱۶) نشان دادند که در ایالات متحده، اجتناب مالیاتی در میان شرکت‌هایی که با سیاستمداران مرتبط بودند (به عنوان مثال، شرکت‌هایی که سیاستمداران سابق را به عنوان اعضای هیئت‌مدیره خود منصوب می‌کردند) رواج بیشتری داشت. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که از نظر سیاسی مرتبط هستند تمایل دارند از تشخیص مالیات از طریق افشای کیفیت پایین‌تر اجتناب کنند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱). در مورد کره، ارتباطات سیاسی اساساً از طریق لابی‌سیاسی شکل نمی‌گیرد، بلکه از طریق روابط غیر رسمی شخصی ایجاد می‌شود. چنین ارتباطات غیررسمی همچنین به عنوان یک مکانیسم بیمه در برابر خطرات تشخیص مالیات عمل می‌کند.

سوم، هر چه یک مدیر عامل از لحاظ سیاسی ارتباط بیشتری داشته باشد، در برخورد با خطرات شهرت یا سایر خطرات غیرمالیاتی حادث‌تر است. اگر قرار باشد یک شرکت از نظر اجتماعی به عنوان عضوی غیرمسئول از جامعه که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کند تلقی شود، ترمیم شهرت لکه دار دشوار خواهد بود. شرکت‌های چندملیتی مانند گوگل، اپل و استارباکس به دلیل فرار مالیاتی خود به شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (وین، ۲۰۱۲^۳). با این حال، اگر این شرکت‌ها از نظر سیاسی به خوبی با هم مرتبط بودند، به‌رغم فشار رسانه‌ها و عموم مردم، به احتمال زیاد بر چنین خطرات اعتباری غلبه خواهند کرد. مبنای اساسی برای ارتباط بازرگانان با سیاستمداران، ائتلافی است که در گروه‌های نخبه در قدرت ایجاد شده است. مدیران عاملی که عضو چنین ائتلافی هستند، بهتر از کسانی که به آن حلقه تعلق ندارند، می‌توانند با خطرات اعتبار علیه رسانه‌ها مقابله کنند.

به طور خلاصه، ادیکاری و همکاران^۴ (۲۰۰۶) دریافتند که شرکت‌های مالزیایی که از نظر سیاسی مرتبط هستند، نرخ‌های مالیات موثر کمتری را پرداخت می‌کنند. به طور مشابه، رانت‌جویی سیاسی در چین برای نرخ‌های مالیاتی پایین‌تر رایج است و بسیار سودآور است و شرکت‌های مرتبط با سیاست، رفتار ترجیحی بازرسان مالیاتی را برای گزارش‌گری مالی تقلبی به دست آورده‌اند (وو و همکاران، ۲۰۰۵^۳). بنابراین، مدیران عامل با ارتباطات سیاسی بالا، دسترسی بیشتری به اطلاعات محرمانه دارند و بنابراین، می‌توانند از خطرات تشخیص مالیات جلوگیری کنند و خطرات شهرت را کاهش دهند. این مکانیسم تمایلات مدیر عامل را برای اجتناب از مالیات افزایش می‌دهد.

3	Zang et al	0
3	Winer	1
3	Dichin & Sosyura	2
3	Wine	3
3	Ahikari et al	4
3	Wiet al	5

طبق گفته گومز و جومو^۳(۲۰۰۹)، شرکت‌هایی با ارتباطات سیاسی آن‌هایی هستند که روابط نزدیک با دولت دارند. ممکن است مالک شرکت یک شخصیت سیاسی برجسته باشد، عضو شورای دولتی یا عضو یک حزب سیاسی باشد یا شرکت یک شرکت دولتی باشد. اعتقاد بر این است که ارتباطات سیاسی منبع ارزشمندی برای بسیاری از شرکت‌ها است (لئوز و جی، ۲۰۰۶). ارتباطات سیاسی باعث می‌شود که شرکت از سهولت دریافت وام سرمایه گرفته تا ریسک پایین حسابرسی مالیاتی با رفتار ویژه‌ای روبرو شود. پشتیبان‌گیری از دولت همچنین شرکت‌ها را در تعیین برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی تر می‌کند که منجر به کاهش شفافیت صورت‌های مالی می‌شود (بوجه و تونرو، ۲۰۱۴). فردیوان و فرمانسیا (۲۰۱۷) در تحقیقات خود دریافتند که میانگین شرکت‌ها از ارتباطات سیاسی خود برای کاهش پرداخت‌های مالیاتی یا از طریق فعالیت‌های لابی‌گری یا نظارت ضعیف‌تر استفاده می‌کنند. به طور مشابه، تحقیقات فی و نگ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که وقتی یکی از اعضای هیئت‌مدیره‌ها یا مدیران یک سیاستمدار یا یکی از اعضای خانواده مقامات دولتی باشد، مطمئناً نزدیکی به دولت دارند و در دولت نفوذ دارند. این نزدیکی می‌تواند باعث اجتناب مالیاتی شود. هنگامی که یک رابطه نزدیک بین هیئت‌مدیره‌ها یا مدیران و دولت وجود دارد، سطح تساهل بین دو طرف ممکن است بالا باشد. ارتباطات سیاسی متعلق به شرکت باعث می‌شود شرکت برای اجتناب از مالیات شجاع‌تر شود زیرا شرکت احساس می‌کند با قدرتی که دارد محافظت می‌شود.

۱-۲- پیشینه پژوهش

تالیتا و همکاران^۴(۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی با ارتباطات سیاسی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده» به بررسی تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی و نقش ارتباطات سیاسی در تعدیل این روابط پرداختند. جامعه مورد مطالعه در این مطالعه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی برای دوره ۲۰۱۶-۲۰۲۰ هستند. نمونه از مجموع ۸۳۵ مشاهدات با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تولید شده است. این مطالعه با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل رگرسیون تعدیل شده مورد آزمایش قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد و ارتباطات سیاسی تأثیر مدیریت سود را بر اجتناب مالیاتی تقویت می‌کند. در این پژوهش از چندین متغیر کنترلی نیز استفاده شده است که عبارتند از اندازه شرکت، اهرم، سودآوری، ارزش شرکت و سن شرکت و نتایج نشان می‌دهد که سودآوری اثر منفی معنی‌داری بر اجتناب مالیاتی دارد، ارزش شرکت تا حدی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب از مالیات دارد. در حالی که اندازه شرکت، اهرم و سن شرکت تأثیر معنی‌داری بر اجتناب مالیاتی ندارند.

خوان پدرو و خوزه^۵(۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «مشوق‌های گزارشگری مالی، مدیریت سود و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های کوچک و متوسط» به بررسی مدیریت سود و تهاجم مالیاتی در شرکت‌های کوچک و متوسط پرداختند. اول، یک ناپیوستگی در حدود صفر در توزیع سود یافت شد، اما در توزیع تغییر سود وجود ندارد، و شواهدی را ارائه داد که نشان می‌دهد شرکت‌های کوچک و متوسط در مدیریت سود تعهدی و واقعی برای شکست دادن سود صفر، برای دستیابی به درآمد خالص پایدار در طول سال‌ها، مشارکت می‌کنند. همچنین یک ارتباط منفی کلی بین مدیریت سود افزایش‌دهنده سود و اجتناب مالیاتی ناسازگار پیدا شد. علاوه بر این، نشان داد که شرکت‌های کوچک و متوسط در شرایطی که قبلاً

3	Gomez & Jomo	6
3	Talita et al	7
3	Juan Pedro & José	8

بدست آمده بود که در مدیریت سود صعودی (یعنی سودهای کوچک، سود خالص هموار، محدودیت‌های مالی) مشارکت دارند، کمتر تهاجمی مالیاتی دارند.

تسای و همکاران^۹ (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان «تبانی، ارتباط سیاسی و اجتناب از مالیات در چین» به بررسی تأثیر تبانی دولت و شرکت بر اجتناب از مالیات شرکت در چین با استفاده از یک رویکرد متغیر ابزاری پرداختند. با استفاده از داده‌های مربوط به گردش سیاسی رهبران استانی و شرکت‌های فهرست شده از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴، نشان داد که گردش سیاسی منجر به بی‌ثباتی تبانی موجود و در نتیجه کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود. این شواهدی از تبانی از قبل موجود بین دولت و شرکت‌ها ارائه می‌دهد. سپس با در نظر گرفتن تأثیر ناهمگن شرکت‌ها و شهرها، این احتمال رد می‌شود که چنین تغییری ناشی از تأثیر عدم اطمینان سیاسی یا رقابت مالیاتی باشد. در نهایت، نشان داد که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها، که توسط روابط سیاسی و مالکیت شرکت‌ها تسخیر شده است، تبانی موجود را تثبیت می‌کند و به شرکت‌ها کمک می‌کند تا مزیت خود را در حین مواجهه با شوک‌های سیاسی خارجی حفظ کنند.

کاظمی سراسکانرود و شیرخدایی (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «تأثیر روابط سیاسی بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر مسئولیت اجتماعی منابع انسانی در شرکت‌های کوچک و متوسط در بورس اوراق بهادار تهران» را بررسی کردند. جهت بررسی فرضیه‌ها ۱۲۶ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ بررسی شد. یافته‌ها نشان داد ارتباط معناداری بین روابط سیاسی و اجتناب مالیاتی برقرار است که مسئولیت اجتماعی شرکت این رابطه را تعدیل می‌کند.

اسکندری و درستان (۱۴۰۱) به بررسی پژوهشی تحت عنوان «تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. نمونه شامل ۱۵۹ شرکت بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ بود. نتایج نشان داد ارتباط معکوس و معناداری بین تعداد اعضای کمیته حسابرسی، استقلال هیئت‌مدیره و سودآوری شرکت با اجتناب مالیاتی برقرار است. همچنین، اهرم مالی و مدیریت سود ارتباط مستقیم و معناداری با اجتناب مالیاتی دارند.

قوت‌مند جزی و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «شناسایی تأثیر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی و اهمیت آن برای مطالعات اجتناب مالیاتی» را مورد بررسی قرار دادند. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، ۱۵۳ شرکت را در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی ارتباط معناداری وجود دارد.

۲-۲- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه دوم: ارتباطات سیاسی بر شدت اثر مدیریت سود و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است. پژوهش کاربردی، پژوهشی است که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنون را برای حل مسائل واقعی به کار می‌گیرد. همچنین این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است، زیرا به دنبال یافتن ارتباط بین چندین متغیر است. روش‌شناسی پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است، بدین معنی که انجام پژوهش براساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. در این پژوهش به منظور انجام آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره و مدل‌های اقتصادسنجی بهره گرفته شده است. تحلیل‌های آماری از طریق نرم‌افزار آماری ایویوز انجام پذیرفت.

قلمرو زمانی این پژوهش، برای یک دوره هفت‌ساله از سال ۱۳۹۴ لغایت ۱۴۰۰ تعیین شده و قلمرو مکانی آن نیز کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱- اطلاعات صورت مالی آن‌ها از سال ۱۳۹۴ به طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.
- ۲- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بیمه‌ای نباشند، زیرا ماهیت این شرکت‌ها با سایر شرکت‌های عضو بورس متفاوت است.

۳- همه داده‌های متغیرهای پژوهش برای شرکت‌های مورد نظر قابل دسترس باشد.

۴- شرکت طی بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

با توجه به شرایط فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۴۰ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد. بنابراین مشاهدات ما برابر با ۹۸۰ سال - شرکت خواهد بود.

۳-۱- مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی برحسب روابط زیر استفاده می‌شود:

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 TobinQ_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 PC_{it} + \beta_3 EM_{it} \times PC_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 TobinQ_{it} + \beta_8 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل‌ها:

ETR_{it} : اجتناب مالیاتی، EM_{it} : مدیریت سود، PC_{it} : ارتباطات سیاسی، $SIZE_{it}$: اندازه شرکت، LEV_{it} : اهرم مالی، ROA_{it} : بازده دارایی، $TobinQ_{it}$: کیوتوبین، AGE_{it} : سن شرکت است.

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی (ETR_{it}): اجتناب از مالیات توسط نرخ مؤثر مالیاتی اندازه‌گیری می‌شود (عبدالفتاح و عبود، ۲۰۲۰^۴) نرخ مؤثر مالیاتی معیار مناسبی برای ارزیابی رفتار اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است زیرا استراتژی‌های اجتناب از مالیات دائمی و موقت را در بر می‌گیرد. نرخ مؤثر مالیاتی به کل هزینه مالیات ابرازی بر سود قبل از مالیات اشاره دارد. لازم به ذکر است که به منظور تفسیر بهتر این متغیر، در عدد (-۱) ضرب شده است، که در این صورت هر چه مقدار نرخ مؤثر مالیاتی شرکت بیشتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت نیز بیشتر است (جاربویی و همکاران، ۲۰۲۰^۴).

متغیر مستقل

مدیریت سود (EM_{it}): جهت سنجش مدیریت سود از مدل اصلاح شده جونز طبق مدل زیر استفاده می‌شود.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta SALES_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن $TA_{i,t}$ کل اقلام تعهدی، A کل دارایی‌ها در ابتدای سال، $\Delta SALES_{i,t}$ تغییرات در فروش، $\Delta REC_{i,t}$ تغییر در حساب‌های دریافتی، $PPE_{i,t}$ نشان دهنده ناخالص دارایی‌های ثابت است. پس از برآورد الگوی مذکور مقادیر خطای مدل، اقلام تعهدی اختیاری را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر از قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌ها به عنوان مدیریت سود استفاده می‌شود (تجویدی و قائم پناه، ۱۴۰۰).

متغیر تعدیلگر

ارتباطات سیاسی (PC): شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت با احتمال بیشتری می‌توانند از بانک‌های دولتی وام بگیرند و کل مبلغ وام درخواستی خود را دریافت کنند (فو و همکاران، ۲۰۱۷). در نتیجه نسبت بدهی در این شرکت‌ها در مقایسه با دیگر شرکت‌ها بالاتر است. از این رو، در پژوهش حاضر شرکت‌هایی را که نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌ها و نیز نسبت اعضا هیئت‌مدیره وابسته به دولت به کل اعضا هیئت‌مدیره آن‌ها، بیشتر از میان سایر شرکت‌ها باشد، به عنوان شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی در نظر گرفته شده و به آن‌ها عدد یک و مابقی شرکت‌ها عدد صفر اختصاص داده شده است (لین و همکاران، ۲۰۱۵). شرکتی که بیش از ۵۰ درصد از سهام آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به دولت باشد به عنوان شرکت وابسته به دولت در نظر گرفته شده است. در نتیجه برای تعیین اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت نیز از این معیار استفاده شده است (کاشانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸).

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): جهت محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان سال مالی استفاده می‌شود. اهرم مالی (LEV_{it}): برای محاسبه اهرم مالی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها در پایان سال مالی استفاده می‌گردد. بازده دارایی (ROA_{it}): از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها بدست می‌آید. کیوتوین ($TobinQ_{it}$): از حاصل تقسیم ارزش بازار دارایی‌ها (ارزش دفتری بدهی به علاوه ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت به دست می‌آید. سن شرکت (AGE_{it}): برابر لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی است که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول شماره (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهده
اجتناب مالیاتی	۰/۱۰۶	۰/۱۰۱	۰/۹۱۴	-۱/۲۰۲	۰/۱۳۰	۹۸۰
مدیریت سود	۰/۱۶۴	۰/۱۱۳	۰/۸۶۹	۰/۰۰۲	۰/۱۶۷	۹۸۰
اندازه شرکت	۱۵/۱۶۴	۱۴/۸۶۸	۲۱/۳۲۷	۱۱/۱۹۷	۱/۶۷۳	۹۸۰
اهرم مالی	۰/۵۳۱	۰/۵۳۲	۱/۳۴۲	۰/۱۲۷	۰/۲۱۳	۹۸۰
بازده دارایی	۰/۱۶۲	۰/۱۲۸	۰/۸۳۰	-۵۴۰	۰/۱۷۰	۹۸۰
کیوتوین	۲/۸۷۲	۱/۹۱۳	۱۵/۸۲۳	۰/۱۴۱	۲/۵۸۲	۹۸۰
سن شرکت	۲/۹۱۵	۲/۹۹۵	۳/۶۶۳	۲/۰۷۹	۰/۳۷۷	۹۸۰
متغیر	درصد یک	درصد صفر	مشاهده			
ارتباطات سیاسی	۶۷/۹۶	۳۲/۰۴	۹۸۰			

مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۱) می‌توان مشاهده کرد، میانگین اجتناب مالیاتی برابر ۰/۱۰۶ است. متوسط ارتباطات سیاسی حدوداً ۶۷ درصد است که نشان می‌دهد در ۶۷ درصد مشاهدات، شرکت‌های دارای ارتباطاتی با دولت‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بوده‌اند. میانگین مدیریت سود برابر ۰/۱۶۴ است. مطابق با یافته‌های جدول، متوسط اهرم مالی برابر با ۰/۵۳۱ می‌باشد که نشان می‌دهد این شرکت‌ها حدود ۵۳ درصد منابع مالی خود را، از طریق بدهی تأمین می‌کنند، می‌توان عنوان کرد که ۵۳ درصد از شرکت‌ها ریسک مالی بالایی را پذیرفته‌اند. بازده دارایی با میانگین ۰/۱۶۲ نشان‌دهنده آن است که واحدهای تجاری حدوداً ۱۶ درصد سود و بازدهی از منابع و دارایی‌های تحت اختیار کسب می‌کنند. متغیر اندازه شرکت، که از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه شده است دارای میانگین ۱۵/۱۶۴ است.

۲-۴- بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

پیش از برآورد پارامترهای مدل، چگونگی پایایی متغیرها با استفاده از آزمون فیلیپس - پرون بررسی شده است. نتایج کمی آزمون پایایی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲. آزمون فیلیپس - پرون

متغیرها	آماره‌ی آزمون فیلیپس - پرون	سطح معناداری
اجتناب مالیاتی	-۲۳/۷۹۱	۰/۰۰۰
مدیریت سود	-۲۵/۱۲۳	۰/۰۰۰
ارتباطات سیاسی	-۱۷/۹۷۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۱۱/۰۳۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۱۲/۶۸۵	۰/۰۰۰
بازده دارایی	-۱۶/۲۷۳	۰/۰۰۰
کیوتوبین	-۱۸/۴۴۳	۰/۰۰۰
سن شرکت	-۹/۲۲۷	۰/۰۰۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود متغیرهای پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پایا هستند. می‌توان پارامترها را بدون نگرانی از کاذب بودن آن‌ها برآورد کرد.

۳-۴- آزمون هم‌خطی

هم‌خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. در صورت وجود هم‌خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسئله باعث می‌شود که تعداد متغیرهای معنادار در معادله کاهش یابد. در این مطالعه برای بررسی عدم وجود هم‌خطی از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص کمتر از ۵ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی می‌باشد. با توجه به جدول شماره (۳) نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که در مدل‌های پژوهش، میزان تورم واریانس متغیرهای توضیحی در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول ۳. آزمون هم خطی

فرضیه اول	فرضیه دوم	
عامل تورم واریانس	عامل تورم واریانس	
۱/۱۳۰	۲/۸۸۲	مدیریت سود
	۱/۹۹۰	ارتباطات سیاسی
	۲/۵۲۴	مدیریت سود × ارتباطات سیاسی
۱/۱۸۳	۱/۱۸۶	اندازه شرکت
۱/۷۲۲	۱/۷۵۰	اهرم مالی
۲/۱۱۴	۲/۱۳۶	بازده دارایی
۱/۲۸۹	۱/۲۹۱	کیوتوبین
۱/۰۶۹	۱/۰۶۹	سن شرکت

۴-۴- آزمون تعیین نوع داده‌ها

به منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون اف لیمر استفاده شده است. برای بررسی نتایج اف لیمر، در صورتی که احتمال آمار اف بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده کرد، در غیر این صورت از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. در صورت پذیرفته شده روش داده‌های تابلویی، سپس باید آزمون هاسمن را جهت انتخاب بین روش اثرات تصادفی یا ثابت بکار برد. در آزمون هاسمن، در صورتی که احتمال آماره کای دو بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده شود. خلاصه نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون اف لیمر و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون اف لیمر			
نتیجه	احتمال	آماره کای دو	نتیجه	احتمال	آماره F لیمر	مدل
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۴/۸۶۵	تابلویی	۰/۰۰۰	۲/۷۰۸	اول
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۵/۲۷۲	تابلویی	۰/۰۰۰	۲/۷۱۷	دوم

۳-۴- تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد مدل

جدول شماره (۵) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
بیش اعتمادی مدیران	OC	-۰/۱۰۱	۰/۰۰۹	-۱۱/۲۵	۰/۰۰۰
مدیریت سود	EM	۰/۰۶۳	۰/۰۲۳	۲/۶۸۶	۰/۰۰۷
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	-۲/۲۸۴	۰/۰۲۲
اهرم مالی	LEV	۰/۰۸۵	۰/۰۲۲	۳/۷۳۷	۰/۰۰۰

۰/۰۰۳	۲/۹۲۵	۰/۰۳۱	۰/۰۹۱	ROA	بازده دارایی
۰/۰۳۵	۲/۱۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	TobinQ	کیوتوین
۰/۰۶۸	۱/۸۲۳	۰/۰۱۰	۰/۰۱۸	AGE	سن شرکت
۰/۱۳۵	۱/۴۹۵	۰/۰۵۰	۰/۰۷۵	C	مقدار ثابت
احتمال آماره F		آماره F		ضریب تعیین شده	
۰/۰۰۰		۵/۸۱۲		۰/۳۲۸	
				ضریب تعیین	
				۰/۳۳۴	

مطابق با جدول (۵)، احتمال آماره F در آزمون مدل کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد، مدل‌ها معنادار است. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده تقریباً ۳۲ درصد است؛ بدین معنا که متغیرهای مستقل و کنترلی ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

سطح معناداری آماره t متغیر مدیریت سود کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۷) که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۰۶۳) مثبت می‌باشد که ارتباط مستقیم با اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد. بر این اساس فرضیه "مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد" رد نمی‌شود.

همچنین در بررسی متغیرهای کنترلی، متغیرهای اهرم مالی، بازده دارایی و کیوتوین تأثیر مثبت و معنادار بر اجتناب مالیاتی و اندازه شرکت تأثیر منفی و معنادار بر اجتناب مالیاتی دارد.

جدول شماره (۶) نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
مدیریت سود	EM	۰/۰۹۴	۰/۰۳۵	۲/۶۸۰	۰/۰۰۷
ارتباطات سیاسی	PC	۰/۰۴۳	۰/۰۱۱	۳/۸۶۱	۰/۰۰۰
مدیریت سود×ارتباطات سیاسی	EM×PC	۰/۱۸۵	۰/۰۴۲	۴/۳۴۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	-۳/۲۱۳	۰/۰۰۱
اهرم مالی	LEV	۰/۰۷۶	۰/۰۲۵	۳/۰۰۴	۰/۰۰۲
بازده دارایی	ROA	۰/۰۷۱	۰/۰۳۲	۲/۲۴۲	۰/۰۲۵
کیوتوین	TobinQ	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۲/۱۸۵	۰/۰۲۹
اندازه هیئت مدیره	AGE	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۱/۴۴۱	۰/۱۴۹
مقدار ثابت	C	۰/۱۰۳	۰/۰۶۱	۱/۶۷۰	۰/۰۹۵
ضریب تعیین		ضریب تعیین شده		احتمال آماره F	
۰/۳۴۸		۰/۳۴۰		۰/۰۰۰	
				آماره F	
				۱/۹۶۷	

مطابق با جدول (۶)، احتمال آماره F در آزمون مدل کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد، مدل‌ها معنادار است. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده تقریباً ۳۴ درصد است؛ بدین معنا که متغیرهای مستقل و کنترلی ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

سطح معناداری آماره t متغیر تعاملی (مدیریت سود × ارتباطات سیاسی) کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰) که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب متغیر تعاملی (۰/۱۸۵) مثبت می‌باشد که علامت مثبت این ضریب نشان‌دهنده این است که ارتباطات سیاسی باعث تقویت رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی می‌شود. بر این اساس فرضیه "ارتباطات سیاسی بر شدت اثر مدیریت سود و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد" رد نمی‌شود.

همچنین در بررسی متغیرهای کنترلی، متغیرهای اهرم مالی، بازده دارایی و کیوتوین تأثیر مثبت و معنادار بر اجتناب مالیاتی و اندازه شرکت تأثیر منفی و معنادار بر اجتناب مالیاتی دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی پرداخته شد. با توجه به احتمال آماره t مربوط به مدیریت سود می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب متغیر مدیریت سود معنادار می‌باشد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر مدیریت سود برابر ۰/۰۶۳ است. علاوه بر این، علامت مثبت این ضریب نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی می‌باشد. مدیریت سود یک استراتژی است که توسط مدیران در انجام مداخلات اطلاعاتی از گزارش‌های مالی با افزایش یا کاهش سود شرکت در محدوده اصولی که عموماً در حسابداری پذیرفته شده است استفاده می‌کنند. یکی از ویژگی‌های مدیریت سود، به حداقل رساندن سود از طریق کاهش سود برای تولید حداقل سود گزارش شده است تا شرکت‌ها بتوانند میزان مالیاتی را که باید به دولت پرداخت کنند، به حداقل برسانند. یکی از مشوق‌های مدیران شرکت‌ها برای مشارکت در مدیریت سود، یعنی انگیزه مالیاتی است. مالیات یکی از رایج‌ترین دلایلی است که مدیریت شرکت به دنبال کاهش سطح گزارش شده از سود خالص یک شرکت است. یکی از اهداف تهیه صورت‌های مالی، تعیین مالیات است. سود گزارش شده توسط شرکت ممکن است به تلاش‌های شرکت در مدیریت سود برای پرداخت مالیات کمتر بستگی داشته باشد. استفاده از سود حسابداری به عنوان مبنایی برای مالیات، مدیران را تشویق می‌کند تا در مدیریت سود شرکت کنند. بنابراین انتظار می‌رود مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت داشته باشد، زیرا میزان هزینه مالیات بر اساس میزان سود شرکت است. در صورت کسب سود بالا، شرکت تمایل دارد تا با به حداقل رساندن سود به دست آمده، مدیریت سود را انجام دهد تا هزینه مالیات کم شود. پس می‌توان بیان کرد با افزایش مدیریت سود، میزان اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد" رد نمی‌شود. نتایج این پژوهش هم‌راستا با یافته‌های آمی و همکاران (۲۰۲۳)، تالیتا و همکاران (۲۰۲۲)، خوان پدرو و خوزه (۲۰۲۱)، لیو ولی (۲۰۱۹)، آمیدو و همکاران (۲۰۱۹)، کونیاسیه (۲۰۱۷) هم‌راستا می‌باشد.

در فرضیه دوم به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی پرداخته شد. نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که احتمال آماره t مربوط به متغیر تعاملی (مدیریت سود × ارتباطات سیاسی) در سطح اطمینان ۹۵ درصدی، معنادار است. علاوه بر این علامت مثبت این ضریب نشان‌دهنده این است که ارتباطات سیاسی باعث تشدید رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی می‌شود. ارتباطات سیاسی ممکن است به دلایل زیر از چنین خطرات مرتبط با اجتناب مالیاتی اجتناب کنند. اول، انتخاب‌های استراتژیک مدیر عامل برای اجتناب از مالیات می‌تواند به اطلاعات محرمانه‌ای که

وی در مورد برنامه‌های دولت برای سیاست‌های مالیاتی در آینده به دست آورده است، بستگی داشته باشد. شرکت‌های مرتبط سیاسی دسترسی آسان‌تری به قانون‌گذاران دارند و می‌توانند اطلاعات محرمانه را از قبل برای برنامه‌ریزی استراتژیک برای فرار مالیاتی به دست آورند و بنابراین خطرات مرتبط را کاهش دهند. دوم، شرکت‌هایی که از لحاظ سیاسی مرتبط هستند تمایل دارند به طور موثر با خطرات تشخیص مالیات مقابله کنند. ارتباطات سیاسی به عنوان یک مکانیسم بیمه در برابر حوادث شدید عمل می‌کند. اجتناب مالیاتی در میان شرکت‌هایی که با سیاستمداران مرتبط بودند (به عنوان مثال، شرکت‌هایی که سیاستمداران سابق را به عنوان اعضای هیئت‌مدیره خود منصوب می‌کردند) رواج بیشتری دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که از نظر سیاسی مرتبط هستند تمایل دارند از تشخیص مالیات از طریق افشای کیفیت پایین‌تر اجتناب کنند. سوم، هر چه یک مدیر عامل از لحاظ سیاسی ارتباط بیشتری داشته باشد، در برخورد با خطرات شهرت یا سایر خطرات غیرمالیاتی حادث‌تر است. اگر قرار باشد یک شرکت از نظر اجتماعی به عنوان عضوی غیرمسئول از جامعه که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کند تلقی شود، ترمیم شهرت لکه دار دشوار خواهد بود. با این حال، اگر این شرکت‌ها از نظر سیاسی به خوبی با هم مرتبط بودند، به‌رغم فشار رسانه‌ها و عموم مردم، به احتمال زیاد بر چنین خطرات اعتباری غلبه خواهند کرد. بنابراین، وقتی یکی از اعضای هیئت‌مدیره‌ها یا مدیران یک سیاستمدار یا یکی از اعضای خانواده مقامات دولتی باشد، مطمئناً نزدیکی به دولت دارند و در دولت نفوذ دارند. این نزدیکی می‌تواند باعث اجتناب مالیاتی شود. هنگامی که یک رابطه نزدیک بین هیئت‌مدیره‌ها یا مدیران و دولت وجود دارد، سطح تساهل بین دو طرف ممکن است بالا باشد. ارتباطات سیاسی متعلق به شرکت باعث می‌شود شرکت برای اجتناب از مالیات شجاع‌تر شود زیرا شرکت احساس می‌کند با قدرتی که دارد محافظت می‌شود. بر این اساس فرضیه "ارتباطات سیاسی بر شدت اثر مدیریت سود و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد" رد نمی‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های تالیتا و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا می‌باشد.

۱-۵- پیشنهادهای کاربردی

در راستای پژوهش انجام شده و نتایج به دست آمده از آن برخی از پیشنهادها را پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود: فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود لذا پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار، قوانینی را تصویب کنند که شرکت‌ها را ملزم کنند تا فعالیت‌ها و گزارش‌های مالی خود را به صورت شفاف‌تری افشا کنند.

به قانون‌گذاران مالیاتی توصیه می‌شود، به خلاءهای قانونی موجود در اجتناب مالیاتی توجه نموده و با تصویب و کمک به اجرای قوانین مناسب زمینه را برای جلوگیری از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها فراهم آورند. تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری باید مقررات و استانداردهایی برای کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌ها در انتخاب روش‌های متعدد حسابداری تدوین کنند تا در حد امکان آزادی عمل مدیر در انتخاب چند روش محدود شود. به سازمان بورس تهران پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها را بر طبق ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره آن‌ها رتبه‌بندی نمایند تا از این طریق این اطلاعات در اختیار افراد و گروه‌های ذینفع وجود داشته باشد و از این اطلاعات بتوانند در تصمیمات خود استفاده نمایند.

به سرمایه‌گذاران بالقوه پیشنهاد می‌شود اگر قصد سرمایه‌گذاری در شرکتی را دارند حتماً به روابط سیاسی افراد حاضر در هیئت‌مدیره شرکت توجه نمایند.

۲-۵- پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

طی انجام هر پژوهش، ابعاد گسترده‌تر و تازه‌تری از موضوع نمایان می‌شود که می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های بعدی باشد. بنابراین، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادها زیر برای پژوهش‌های بعدی ارائه می‌شود:

۱- در پژوهش‌های آتی از سایر معیارهای اندازه‌گیری اجتناب از مالیات از جمله تفاوت دفتری مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و ... استفاده شود.

۲- این پژوهش به بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. لذا در پژوهش‌های آتی این مطالعه با در نظر گرفتن نوع صنعت آزمون گردد.

۳- تأثیر ساختار مالکیت بر ارتباط بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی

۶- منابع

۱. اسکندری، علیرضا؛ درستان، سمیه. (۱۴۰۱). تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۵ (۶۸)، ۱۰۸-۱۲۵.

۲. تجویدی، الناز؛ قائم پناه، محسن. (۱۴۰۰). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، (۴۹)، ۱۷۴-۱۵۵.

۳. قوت‌مند جزئی، عبدالمجید؛ عرب مازار یزدی، محمد؛ صفرزاده بندری، محمدحسین. (۱۴۰۱). شناسایی تأثیر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی و اهمیت آن برای مطالعات اجتناب مالیاتی. مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱۴ (۱)، ۲۷۶-۲۳۹.

۴. کاشانی‌پور، محمد؛ فرجی، امید؛ برجی، پریرسا. (۱۳۹۸). ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی. مجله دانش حسابداری، ۱۰ (۴)، ۱۷۵-۱۴۳.

۵. کاظمی سراسکانرود، زهرا؛ شیرخدایی، میثم. (۱۴۰۲). تأثیر روابط سیاسی بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر مسئولیت اجتماعی منابع انسانی در شرکت‌های کوچک و متوسط در بورس اوراق بهادار تهران. دوفصلنامه مدیریت منابع انسانی پایدار، (۱).

۶. مشایخی، بیتا؛ حسین‌پور، امیر حسین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲ (۴۹)، ۵۲-۲۹.

7. Abdelfattah, T. and Aboud, A. (2020), "Tax avoidance, corporate governance, and corporate social responsibility: the case of the Egyptian capital market", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 38, p. 100304.
8. Adhikari, A.; Derashid, C.; Zhang, H. (2006). Public policy, political connections, and effective tax rates: Longitudinal evidence from Malaysia. *J. Account. Public Policy*, 25, 574-595.
9. Aisyah, R.N., E. and Erwin, K. (2022). The Effect of Liquidity, Thin Capitalization, Capital Intensity, and Earnings Management on Tax Avoidance in Manufacturing Companies Listed in Indonesia Stock Exchange (IDX) 2010-2020 Period. *International Journal of Research and Review*, 9(1), 201-208.

10. Arief, R.A., Pratomo, D. & Dillak, V.J. (2016). Pengaruh Manajemen Laba terhadap Agresivitas Pajak (Studi pada Perusahaan Batubara yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia Periode 2011 - 2014). *E-Proceeding of Management*, 3(3).
11. Ariefiara, D., Utama, S., Wardhani, R. & Rahayu, N. (2015). Analisis Pengaruh Strategi Bisnis terhadap Penghindaran Pajak. *Bukti Empiris di Indonesia. Simposium Nasional Akuntansi XVIII KAPd Medan*.
12. Chaney, P.K.; Faccio, M.; Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *J. Account. Econ*, 51, 58–76.
13. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *The review of Economics and Statistics*, 91(3), 537-546.
14. Duchin, R.; Sosyura, D. (2012). The politics of government investment. *J. Financ. Econ*, 106, 24–48.
15. Dyreng, S., Hanlon, M., & Maydew, E. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61 –82.
16. Dyreng, S.D.; Hanlon, M.; Maydew, E.L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *Account. Rev.* 85, 1163–1189.
17. Ferdiawan, Y. and Firmansyah, A. (2017). Pengaruh Political Connection, Foreign Activity, Dan, Real Earnings Management Terhadap Tax Avoidance. *Jurnal Riset Akuntansi Dan Keuangan*, 5(3), 1601-1624.
18. Fischer, M. and Rozenzweig K, (1995). Attitude of Students and Accounting Practitioners Concerning the Ethical Acceptability of Earnings Management. *Journal of Business Ethics*, 14, 433–444.
19. Fu, J., Shimamoto, D., Todo, Y. (2017). Can firms with political connections borrow more than those without? Evidence from firm-level data for Indonesia. *Journal of Asian Economics*, 52, 45-55.
20. Gomez, E.T. and Jomo, K.S. (2009). *Malaysia's Political Economy: Politics, Patronage and Profits: CUP Archive*.
21. Harjito, A. and Martono. (2010). *Manajemen Keuangan*. Yogyakarta: Ekonisia.
22. Hendi, Jenny. (2022). Analy sis of Internal Control Effects against Tax Avoidance Withfamily Ownership and U ncertaintyenvironment as Moderation. *Journal of Research in Business and Management*, Volume 10, Issue 2, 14-22.
23. Hong, N.T.P., Quyen, N.T.N. and Thuy, D.T.T. (2022). Effects of Earnings Management to Corporate Tax Avoidance. *Webology*, 19(1), 867–889.
24. Huda, R. (2016). *Perdebatan di Seputar Tax Avoidance*. <http://news.ddtc.co.id/perdebatan-di-seputar-tax-avoidance> (Accessed August 4, 2021).
25. Jarboui, A., Saad, M.K.B. and Riquen, R. (2020), “Tax avoidance: do board gender diversity and sustainability performance make a difference?”, *Journal of Financial Crime*, Vol. 27 No. 4, pp. 1389-1408.
26. Juan Pedro Sánchez-Ballesta & José Yagüe, (2021). "Financial reporting incentives, earnings management, and tax avoidance in SMEs," *Journal of Business Finance & Accounting*, Wiley Blackwell, vol. 48(7-8), pages 1404-1433.
27. Kim, C.; Zhang, L. (2016). Corporate political connections and tax aggressiveness. *Contemp. Account. Res*, 33, 78–114.
28. Lee, B.B., Dobiyanski, A. and Minton, S. (2015), “Theories and Empirical Proxies for Corporate Tax Avoidance”, *Journal of Applied Business & Economics*, Vol. 17 No. 3.
29. Leuz, C. and Gee, F.O. (2006). Political Relationships, Global Financing and Corporate Transparency: Evidence from Indonesia. *Journal of Financial Economics*, 81 (2), 411-439.
30. Lin, K.J., Karim, K.E., Carter, C. (2015). Why does China's stock market have highly synchronous stock price movements? An information supply perspective. *Advances in Accounting*, 31(1), 68-79.
31. Machdar, N.M. (2019). Agresivitas Pajak dari Sudut Pandang Manajemen Laba. *Jurnal Riset Manajemen dan Bisnis (JRMB) Fakultas Ekonomi UNIAT*, 4(1).

32. Negara, A.A.G.R.P. and Saputra, I.D.G.D. (2017). Pengaruh Perencanaan Pajak Dan Beban Pajak Tanggungan Terhadap Manajemen Laba. E-Jurnal Akuntansi Universitas Udayana.
33. Novitasari, S. (2017). Pengaruh Manajemen Laba, Corporate Governance, dan Intensitas Modal terhadap Agresivitas Pajak Perusahaan (Studi Empiris pada Perusahaan Property dan Real Estate yang Terdaftar di BEI Periode Tahun 2010-2014). JOM Fekon, 4(1).
34. Phie, F.K. and Ng, S. (2020). Pengaruh Corporate Governance Dan Political Connections Terhadap Tax Avoidance Dan Dampaknya Pada Nilai Perusahaan. Jurnal Sistem Informasi, Manajemen dan Akuntansi, 18(1), 21-46.
35. Scholes, M.; Wolfson, M.; Erickson, M.; Maydew, E.; Shevlin, T. (2009). Taxes and Business Strategy: A Planning Approach, Pearson Prentice-Hall; Pearson Prentice-Hall: Upper Saddle River, NJ, USA.
36. Scott, W.R. (2000). Financial Accounting Theory. Second Edition. Toronto. Ontario: Pearson Education Canada Inc.
37. Scott, W.R. (2009). Financial Accounting Theory. Fifth Edition. Canada: Prentice Hall.
38. Scott, W.R. (2012). Financial Accounting Theory. Sixth Edition. Toronto: Pearson Education Canada.
39. Scott, W.R. (2015). Financial Accounting Theory. Seventh Edition. Toronto: Pearson Prentice Hall.
40. Setiorini, H., Indriani, R. & Midiastuty, P.P. (2017). Manajemen Laba, Tata Kelola Perusahaan, Dan Penghindaran Pajak. Jurnal Fairness, 7(1), 15-30.
41. Shackelford, D.A. and Shevlin, T. (2001), "Empirical tax research in accounting", Journal of Accounting and Economics, Vol. 31 Nos 1/3, pp. 321-387.
42. Sulistyanto, S. (2008). Manajemen Laba : Teori dan Empiris. Jakarta: Grasindo.
43. Surahman, A. and Firmansyah, A. (2017). Pengaruh Manajemen Laba Melalui Penyimpangan Akuntansi, Aktivitas Laba Riil dan Akrual Terhadap Agresivitas Pajak. ISSN: 2540-9816, 2(2).
44. Thalita Arin Agnesia & Bambang Hariadi & M Khoiru Rusydi, (2022). "The effect of earnings management on tax avoidance with political connections as a moderating variable," International Journal of Research in Business and Social Science (2147-4478), Center for the Strategic Studies in Business and Finance, vol. 11(5), pages 344-353.
45. Tsai Pi-Han & Liu Yongzheng & Liu Xin, (2021). "Collusion, political connection, and tax avoidance in China," Kyklos, Wiley Blackwell, vol. 74(3), pages 417-441.
46. Wang, S., & Chen, S. (2012). The Motivation for Tax Avoidance in Earnings Management. J. Account. Econ, 42, 58-76.
47. Wardani, D.K., Dewanti, W.I. and Permatasari, N.I. (2019). Pengaruh Manajemen Laba, Umur Perusahaan, Dan Leverage Terhadap Penghindaran Pajak. Jurnal Akuntansi AKUISISI, 15(2), 18-25.
48. Wayne, L. (2012). How Delaware Thrives as a Corporate Tax Haven. New York Times, 30 June.
49. Werner, T. (2015). Gaining access by doing good: The effect of sociopolitical reputation on firm participation in public policy making. Manag. Sci, 61, 1989-2011.
50. Wu, S.; Levitas, E.; Priem, R.L. (2005). CEO tenure and company invention under differing levels of technological dynamism. Acad. Manag. J, 48, 859-873.
51. Zhang, J.; Marquis, C.; Qiao, K. (2016). Do political connections buffer firms from or bind firms to the government? A study of corporate charitable donations of Chinese firms. Organ. Sci, 27, 1307-1324.

The Effect of Earnings Management on Tax Avoidance by Considering the Role of Political Connections in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Saeid Yadegari¹

Narges Hashemzadeh^{*2}

Abstract

Taxes are one of the most important sources of government revenue, which in addition to providing the financial resources that the government needs, help to better distribute income and wealth. The composition of tax revenues as well as the share of taxes in total public revenues differs from one country to another due to economic, cultural and historical conditions. Tax avoidance causes countries' tax revenues to always be lower than estimated; therefore, the factors affecting it are important. The present study examines the effect of political connections on the relationship between earnings management and tax avoidance. In order to achieve the above objectives, two hypotheses were formulated. Therefore, in order to test the research hypothesis, a sample of 140 firms was selected from the firms listed in Tehran Stock Exchange during the period 2015 to 2021. Multivariate regression model based on combined data was used to test the research hypothesis. The findings of the research showed that earnings management has a positive and significant effect on tax avoidance, that is, the increase in earnings management leads to an increase in tax avoidance; Furthermore, the results indicate that political connections strengthen the relationship between earnings management and tax avoidance.

Keywords

Tax Avoidance, Earnings Management, Political Connections

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahid Ashrafi University, Esfahan, Iran (Syadegari115@yahoo.com).
2. Master of Accounting, University of Shahid Ashrafi, Esfahan, Iran (*Corresponding Author: n_hashemzadeh21@gmail.com).